

اصطلاحات آلمانی in der Luft hängen

written by مرتضی غلام نژاد | آگوست 26, 2017

in der Luft hängen

در هوا آویزان بودن

Bedeutung:

Unsicher sein, nicht wissen, wie es weitergehen soll

نا مطمئن بودن ، ندانستن اینکه چه جوری می بایستی پیش رفت

در فارسی معمولاً گفته می شود : همه چیز روی هواست ، یا اینکه گفته می شود : لنگ در هوا

Nach meiner Lehre übernimmt mich die Firma nicht. Jetzt hänge ich total in der Luft

-Kopf hoch, es kommen auch wieder bessere Zeiten für dich

پس از فراگیری ، آن شرکت مرا استخدام نمی کند ، الان من کاملاً لنگ در هوام

– سرت رو بالا بگیر ، باز دوباره زمان های بهتر برای تو فرا میرسند.

احساس میکنم که in der Luft hängen می تواند معانی : گیج و سر درگم را نیز بدهد ، از آن بابت گیج که ندانی قرار است در آینده چه اتفاقی بیافتد یا به زبان دیگر ، به جهت اتفاقاتی که قرار است در آینده بیافتد کاملاً سر در گمی

البته این اصطلاح را اینگونه نیز بیان میکنند

in der Luft sein

از این اصطلاح می توانیم به اصطلاحات زیر نیز برسیم

In der Luft hängen bleiben

لنگ در هوا نگهداشتن داشتن ، بالاتکلیف نگهداشتن

Jemand in der Luft hängen lassen

اجازه بدیم کسی سر در گم یا لنگ در هوا باشه

کسی را بالاتکلیف گذاشتن

Ich weiß, dass wir die Menschen im Kosovo nicht viel länger in der Luft hängen lassen können

من میدانم که ما مردم کوزوو را نمی توانیم برای مدت طولانی بالاتکلیف بذاریمشون

Ich weiß nicht, ich fühlte mich etwas... mich etwas in der Luft hängen gelassen, so wie es geendet ist

نمیدونم ، یه حسی داشتم ... که منرا لنگ در هوا گذاشته بود. تا اینکه آن به همین شکل به پایان رسید.

Ich denke, der Bericht gibt Hinweise darauf, daß die obligatorischen Registrierungen für die Frauen nicht in der Luft hängen bleiben dürfen

فکر میکنم ، آن گزارش اشاره به این دارد که ثبت نام اجباری برای خانم ها نمی بایستی بالاتکلیف بماند

در بعضی از مناطق کشورهای آلمانی زبان اینگونه نیز این اصطلاح را بیان میکنند

in der Luft schweben

فعل schweben نیز نزدیک به فعل hängen است

schweben

معلق بودن ، آویزان بودن ، پا در هوا بودن ، دو دل بودن ، تردید داشتن ، ثابت قدم نبودن ، متزلزل بودن ، ادامه داشتن جریان یک پرونده در دادگاه

hängen

معلق بودن ، آویزان بودن ، آویخته بودن

که اگر این فعل با حرف اضافه an در جمله مورد استفاده قرار بگیرد ، آنگاه به معانی : وابسته بودن ، تعلق خاطر داشتن ، وابستگی داشتن

و اگر به همراه حرف اضافه bei در جمله مورد استفاده قرار بگیرد ، آنگاه به معانی : قرض داشتن ، زیر دین بودن ، بدهکار بودن ، مدیون بودن

اما همین فعل hängen می تواند با پیشوندهای زیاد نیز ترکیب شود و افعالی با معانی جدید تر بسازد مانند :

erhängen

اعدام کردن ، دار زدن ، حلق آویز کردن

برای اتمام این درس ، چند مثال از افعال گفته شده خواهیم داشت

Zwischen Himmel und Erde schweben

میان زمین و آسمان آویزان یا معلق بودن

مثل اینکه چتر بازی در بین شاخه های یک درخت گیر کرده باشد و به همراه چترش میان زمین و آسمان لنگ در هوا آویزان باشد

گذشته ساده : schwebten

گذشته کامل : haben geschwebt

Sein Prozess schwebt noch

محاکمه او همچنان ادامه دارد
روند پرونده او همچنان در دادگاه جریان دارد

Partizip 1 در کاربرد

Man wollte nicht in das schwebende Verfahren eingreifen

آدم نمی بایستی در جریان شیوه محاکمه دخالت کند

آدم نمی بایستی در رویه دادگاه دخالت کند

در بالا گفتیم اگر hängen به همراه حروف اضافه an و bei در جمله قرار بگیرد ، معانی تازه ی به خود میگیرد ، اما توجه داشته باشید که هر گاه بخواهیم بگیم مثلا آن عکس بالای مبل است یا آن عکس به روی دیوار آویخته شده است و... آنگاه این حروف اضافه تغییری در مفهوم اصلی hängen که آویزان بودن یا آویخته بودن است ندارد.

Das Bild hängt an der Wand

آن عکس به دیوار آویخته شده است

در تفکر آلمانی : آن عکس به دیوار آویزان است

Das Bild hängt über dem Sofa

آن عکس بالای مبل آویخته شده است

در تفکر آلمانی : آن عکس بالای مبل آویزان است

معمولا در فارسی گفته می شود ، آن عکس به دیوار زده شده است یا آن عکس بالای مبل زده شده یا قرار داده و ...

Das Bild hängt schief

تفکر فارسی : آن عکس کج زده شده

تفکر آلمانی : آن عکس کج آویزان است

Der Wohnwagen hängt am Auto

کاروان به ماشین متصل است یا در تفکر آلمانی : آویزان است ، وصل است ، وابسته است

کاروان : آن اتاق های که به ماشین ها وصل می شوند و امکاناتی همچون تخت ، دستشویی ، میز و ... را در خود جا داده اند.

Der PC hängt am Netz

آن کامپیوتر به شبکه وصل است یا وابسته است

bei jemandem hängen

پیش کسی بدهکار باشیم ، به کسی بدهکاری داشته باشیم

و کلی مثال های دیگر که هر کدام نیاز به یک درس جداگانه دارند.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :